



## داستان مریم و عیسی در قرآن و انجیل



باقر مومنی

قرآن از این متون نیز استفاده کرده است.

برای نمونه می‌توان از داستان مریم باکره و آستن شدن به روح خدا و زائیدن عیسی، با همه توضیحات آن یاد کرد که گاه یک‌جا و به صورت تقریباً کامل و گاه به مناسبت‌های گوناگون به اشاره در جای جای قرآن از آن یاد شده است. در اینجا برای روشن شدن قضیه ابتدا موضوع مربوط به مریم و عیسی از انجیل‌ها نقل می‌شود و سپس با تالیف داستان از روی مضامین پراکنده قرآن وجوه تشابه و حدود اقتباس داستان به نظر خواننده می‌رسد. اما بیش از هر چیز توضیح این نکته لازم است که انجیل‌ها برای توضیح داستان مریم و عیسی ابتدا به شرح حکایت زکریا پیامبر و خانواده‌ی او می‌پردازند به این

یکی از خصوصیات قرآن که بارها از جانب محمد پیامبر اسلام یا فرشته‌ی وحی یا خدایگان محمد یادآوری شده این است که این کتاب تصدیق‌کننده‌ی تورات و انجیل و کتاب‌ها و نوشته‌هایی است که پیش از این بر یهودیان و مسیحیان فرستاده شده و محمد خود تصدیق‌کننده‌ی آئین پیامبران پیشین است؛ و این تصدیق و گواهی نه تنها شامل بسیاری از آیین‌های اخلاقی و احکام دینی و اجتماعی آیین‌های گذشته است بلکه داستان‌ها و قصه‌های آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد. البته ذکر این نکته لازم است که یهودیان و مسیحیان به جز تورات و انجیل کتاب‌های فراوان تفصیلی و تفسیری دیگری نیز دارند که محمد گاه برحسب ضرورت و مصلحت زمانی و مکانی و گاه برای تکمیل متن

تا آن جا که معلوم است در انجیل‌ها اگرچه کلمات پدر و پسر و روح‌القدس به ترتیب درباره‌ی خدا و عیسی و جبرئیل بکار رفته ولی به هیچ‌وجه سخنی از سه‌گانگی خدا در میان نیست بلکه در همه جا به یگانگی و یکتائی خدا تاکید شده است. بعلاوه عیسی خود بر پیامبری خویش تاکید می‌کند «من از جانب خدا صادر شده و آمده‌ام زیرا که من از پیش خود نیامده‌ام بلکه او مرا فرستاده است» و می‌افزاید که «من از خود کاری نمی‌کنم بلکه به آن چه پدرم مرا تعلیم داد تکلم می‌کنم او که مرا فرستاد با من است.»

نام داشت فرستاده شد\* نزد باکره‌ی نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داود، و نام آن باکره مریم بود\* پس فرشته نزد او راحل شده گفت سلام بر تو ای نعمت رسیده؛ خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی\* چون [مریم] او را دید از سخن او مضطرب شده متفکر شد که این چه نوع تحیت است\* فرشته بدو گفت ای مریم ترسان مباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته‌ای\* و اینک حامله شده پسری خواهی زائید و او را عیسی خواهی نامید\* او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود و خداوند خدا تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود\* و او به خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود\* مریم به فرشته گفت این چگونه می‌شود و حال آن که مردی را شناخته‌ام\* فرشته در جواب وی گفت روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند. از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد\* هم اینک ایصابات از خویشان تو نیز در پیری به پسری حامله شده و این ماه ششم است که مر او را نازا می‌خواندند\* زیرا نزد خدا هیچ امری محال نیست\* مریم گفت اینک کنیز خداوندم؛ مرا برحسب سخن تو واقع خواهد شد...

در آن روزها مریم برخاست و به بلدی از کوهستان یهودیه بشتاب رفت\* و به خانه‌ی زکریا آمده به ایصابات سلام کرد\* و چون ایصابات سلام مریم را شنید بچه در رحم او به حرکت درآمد و ایصابات به روح‌القدس پر شد\*... و مریم قریب سه ماه نزد وی ماند، پس به خانه‌ی خود مراجعت کرد\*

اما چون ایصابات را وقت وضع حمل رسید پسری بزاد\* همسایگان و خویشان او چون شنیدند که خداوند رحمت عظیمی بر وی کرده با او شادی کردند\* و واقع شد در روز هشتم چون برای ختنه‌ی طفل آمدند که نام پدرش زکریا را بر او می‌نهادند\* اما مادرش ملتفت شده

ترتیب که درباره‌ی زکریا و همسرش و فرزندش یحیی در انجیل لوقا، باب اول آیه‌های ۵ تا ۶۵ چنین آمده است:

در ایام هیروودیس پادشاه یهودیه کاهنی زکریا نام از فرقه‌ی ابیه بود که زن او از دختران هارون بود و ایصابات [الیزابت] نام داشت\* و ایشان را فرزندی نبود زیرا که ایصابات نازا بود و دیرینه سال بودند\* و واقع شد که چون به نوبت فرقه‌ی خود در حضور خدا کهانت می‌کرد\* حسب عادت کهانت نوبت او شد که به قدس [معبد] خداوند درآمده بخور بسوزاند [عبادت کند]\*... ناگاه فرشته‌ی خداوند به طرف راست مذبح بخور ایستاده بر وی ظاهر گشت\* چون زکریا او را دید در حیرت افتاده ترس بر او مستولی شد\* فرشته بدو گفت ای زکریا ترسان مباش زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است و زوجات ایصابات برای تو پسری خواهد زائید و او را یحیی خواهی نامید\* و تورا خوشی و شادی رخ خواهد نمود و بسیاری از ولادت او مسرور خواهند شد\* زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پر از روح‌القدس خواهد بود\*

زکریا به فرشته گفت این را چگونه بدانم و حال آن که من پیر هستم و زوجه‌ام دیرینه سال است\* فرشته در جواب وی گفت من جبرائیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و فرستاده شدم تا به تو سخن گویم و تو را مزده دهم\* والحال تا این امور واقع نگردد گنگ شده، یارای حرف زدن نخواهی داشت زیرا سخن‌های مرا که در وقت خود به وقوع خواهد پیوست باور نکردی\*... و چون ایام خدمت او به اتمام رسید به خانه‌ی خود رفت\* بعد از آن روزها زن او ایصابات حامله شده مدت پنج ماه خود را پنهان نمود...

و در ماه ششم جبرئیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره

**مخالفان عیسی او را از طریق خیانت یکی از حواریون به نام یهودا شناسائی می‌کنند و به صلیب می‌کشند اما حقیقت این است که روایت قرآن چیزی جز تأیید روایت برخی از کتاب‌های دیگر مسیحیان نیست در این کتاب‌ها تأکید می‌شود که کسی را که یهودا بوسه می‌زند عیسی مسیح نیست بلکه شخصی شبیه اوست که بلاخره هم به جای عیسی بر دار می‌رود، و به نظر می‌رسد که قرآن روایت خود را از این کتاب‌ها برگرفته است.**

(انجیل لوقا)\* تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زائیدن بود ثبت گردد\* وقتی که آن‌ها در آن‌جا بودند هنگام وضع حمل او رسیده\* پسر نخستین خود را زائید او را در قن‌داقه پیچیده در آخور خوابانید زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود\*...

و چون ایام تطهیر ایشان بر حسب شریعت موسی رسید او را به اورشلیم بردند تا به خداوند بگذرانند و چون تمامی رسوم شریعت خداوند را به پایان برده بودند به شهر خود ناصره‌ی جلیل مراجعت کردند\* و طفل نمو کرده بروح قوی می‌گشت و از حکمت پر شده فیض خدا بر وی می‌بود.

علاوه بر این‌ها در انجیل‌های چهارگانه متی، مرقس، لوقا و یوحنا درباره‌ی آینده‌ی یحیی تعمید دهنده و شهادت او و درباره‌ی عیسی مطالبی آمده است از آن جمله این که شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی بود. او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد\*... آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می‌گرداند و در جهان آمدنی بود\* [و این نور کلمه بود] و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی و جلال... جلالی شایسته‌ی پسر یگانه‌ی پدر... و یحیی بر او شهادت داد و در انجیل لوقا گفته می‌شود که عیسی بدست او تعمید یافت (باب ۳، آیه ۱).

بهرحال عیسی خود هنگامی که به عنوان پیامبر خدا موعظه را آغاز کرد قریب به سی ساله بود و حسب گمان خلق پسر یوسف [بود]. به گفته انجیل متی «عیسی در تمام جلیل می‌گشت و در کنایس ایشان تعلیم داده به بشارت ملکوت موعظه می‌نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا می‌داد\* و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت و جمیع مرضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند، و همچنین دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آورده و ایشان را شفا بخشید» (انجیل متی، باب چهار، ۲۳-۲۴).

انجیل‌ها به تفصیل هر کدام در چند باب به شرح این مواعظ و معجزه‌ها می‌پردازند. و سرانجام روزی فرا می‌رسد که براساس تقدیر آسمانی مأموریت عیسی در زمین پایان می‌گیرد؛ به این ترتیب که رؤسای کاهنان یهود و ماموران آن‌ها بوسیله‌ی یهودا، یکی از دوازده حواری عیسی او را شناسائی و دستگیر می‌کنند و به صلیب می‌کشند. سپس یکی از علاقه‌مندانش جنازه‌ی او را گرفته در گور می‌گذارد. اما او پس از سه روز زنده شده از گور بیرون می‌آید و چند روزی در شهرهای گوناگون بر حواریان ظاهر می‌شود و پس از موعظه‌هایی درباره‌ی وظایف آینده‌ی آنان و «برکت دادن به ایشان» به آسمان نزد خدا

گفت: نی، بلکه به یحیی نامیده می‌شود\* به وی گفتند از قبیله‌ی تو هیچ کس این اسم را ندارد\* پس به پدرش اشاره کردند که او را چه نام خواهی نهاد\* او تخته‌ای خواسته بنوشت که نام او یحیی است و همه متعجب شدند\* در ساعت دهان و زبان او بازگشته به حمد خدا متکلم شد\* پس بر تمامی همسایگان ایشان خوف مستولی گشت؛ و جمیع این وقایع در کوهستان یهودیه شهرت یافت.

و در انجیل متی در مورد تولد عیسی چنین گفته می‌شود اما ولادت عیسی چنین بود که مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود و قبل از آن که با هم آیند او را از روح‌القدس حامله یافتند\* و شوهرش یوسف چون که مردی صالح بود و نخواست او را عبرت نماید پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند\* اما چون او در این چیزها تفکر می‌کرد ناگاه فرشته‌ی خداوند در خواب بر وی ظاهر شده گفت ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس زیرا که آنچه در وی قرار گرفته از روح‌القدس است\* و او پسری خواهد زائید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید\* و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد\*... پس چون یوسف از خواب بیدار شد چنان که فرشته‌ی خداوند بر او امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت\* و تا پسر نخستین خود را زائید او را نشناخت\* و او را عیسی نام نهاد...

در انجیل لوقا در ادامه داستان گفته می‌شود: و یوسف از جلیل از بلده‌ی ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت رفت

فراخوانده می‌شود.

در قرآن اما، در سال‌های نخستین بعثت محمد در سه آیه از سوره‌ی ۲۱ مکی انبیاء (آیه‌های ۸۹-۹۱) در فهرست نامنامه‌ی پیامبران گذشته، از داستان مریم و عیسی در ارتباط با زکریای پیامبر و پسرش یحیی‌ای تمعید دهنده یاد می‌شود و اندک زمانی بعد قصه‌ی آن‌ها به نحوی منسجم و یکپارچه در ۳۴ آیه‌ی اولیه از سوره‌ی ۱۹ مکی مریم حکایت می‌شود. محمد سپس در مدینه در میان سال‌های ۲ و ۳ هجرت در ۱۴ آیه از سوره‌ی ۳ آل عمران (آیه‌های ۳۵-۴۹) داستان را به صورتی دیگر تکرار می‌کند با این تفاوت که در سه آیه‌ی اول درباره‌ی مریم و نحوه‌ی زادن عیسی و ارتباط آن‌ها با زکریا، و در ده آیه بعدی مطالبی درباره‌ی زندگی عیسی در دوران پیامبری و پیروان او تا زمان مرگش به داستان افزوده می‌شود که می‌توان به عنوان مکمل داستان زندگی او و مادرش تلقی شود؛ و بلاخره در ۷ آیه از سوره‌ی ۴ مدنی نساء (آیه‌های ۱۵۶-۱۵۹، ۱۷۱-۱۷۳) که در میانه‌ی سال‌های شش و هفت هجرت و در زمان درگیری محمد با یهودیان و مسیحیان صادر شده در مورد مقام عیسی نزد خدای یکتا و نفی رابطه‌ی پدر-فرزندی میان آن‌ها و بلاخره مرگ او اشاره‌هایی شده است. و سرانجام در سال‌های آخر بعثت در دوازده آیه از سوره ۵ مدنی مائده توضیحات و اطلاعات و احکام تازه‌ای درباره‌ی عیسی پیامبر و معجزات و رابطه او با پیروانش آمده است؛ و البته علاوه بر این‌ها در سوره‌های بسیاری از قرآن، طبق معمول، به صورتی پراکنده و برحسب ضرورت در یک یا چند آیه در ارتباط با زندگی مریم و عیسی به گوشه‌هایی از سرگذشت زکریا و پسرش یحیی‌ای تمعید دهنده نیز اشاره‌هایی شده است.

به این ترتیب ماجرا در سوره‌ی ۲۱ انبیاء چنین آغاز می‌شود که «رحمان»، خدای یگانه‌ی محمد در این زمان، برای آگاهی او از سابقه‌ی رسالت پیامبران پیشین و عکس‌العمل‌های اقوام و امت‌ها در برابر آنان تقریباً فهرست‌وار به ترتیب از موسی و هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داود و سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، ذوالنون (یونس) حکایت می‌کند تا به زکریا می‌رسد:

و زکریا را یاد کن، آن‌گاه که خدایگانش را ندا داد که ای خدایگان من، مرا تنها وامگذار، و تو بهترین وارثانی\* پس دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و همسرش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می‌کردند و با بیم و امید ما را می‌خواندند و در برابر ما خاشع بودند\* و آن زن را یاد کن که شرمگاه

خود را نگاه داشت و از روح خود در او دمیدیم و او و فرزندش را برای جهانیان عبرتی گردانیدیم (۲۱ مکی انبیاء، ۸۹-۹۱).

و اندکی پس از طرح این مختصر است که محمد در سوره‌ی ۱۹ مکی مریم آن را بسط می‌دهد. اما پیش از نقل داستان این سوره بهتر است ابتدا به نقل سوره‌ی ۳ مدنی آل عمران، به ریشه‌های ماجرا از ابتدا پرداخته شود (منظور تولد مریم مادر عیسی است) و آن چنین است که: آن‌گاه که همسر عمران گفت خدایگانا، من نذر کرده‌ام که آن‌چه در شکم دارم از هر قید آزاد و در بند خدمت تو باشد. از من بپذیر که تو شنوای دانایی\* پس چون فرزندش را بزاد گفت خدایگانا، من دختر زاده‌ام... و او را مریم نام نهاده‌ام؛ او و فرزندش را از شر شیاطین رجیم به پناه تو می‌آورم\* آن‌گاه خدایگانش او را به وجهی نیکو پذیرفت و به نیکی پرورش داد و زکریا را [که شوهر خاله‌ی مریم بود] به سرپرستی او برگماشت؛ و هرگاه که زکریا در محراب بر او وارد می‌شد می‌دید که نزد او رزق و روزی هست. می‌گفت: ای مریم این‌ها از کجا برایت آمده؟ می‌گفت آن از نزد «الله» است و الله هرکس را بخواهد بی‌حساب روزی می‌بخشد. (۳ مدنی، آل عمران ۳۵-۳۷).

« و این بیان رحمت خدایگان تو در حق بنده‌اش زکریاست\* چنین بود که او به ندائی خاموش خدایگان خویش را به دعا ندا داد\* گفت خدایگانا، استخوانم سستی گرفته و برف پیری بر سرم نشسته است؛ و خدایگانا، در دعای به تو هرگز سخت‌دل نبوده‌ام\* و من پس از خویش از وارثان بیمناکم، و همسرم نازاست. پس از پیشگاه خود به من وارثی عطا فرما\* تا هم وارث من باشد و هم وارث آل یعقوب؛ و خدایگانا، او را مقبول بگردان، [ندا آمد که] ای زکریا ما تو را پسری که نامش یحیی است و تاکنون همنامی برایش قرار نداده‌ایم مژده می‌دهیم\* (۱۹ مکی مریم ۲-۷)؛ و یا به روایتی دیگر «در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود ملائک او را ندا دادند که الله تو را به [پسری به نام] یحیی بشارت می‌دهد که گواهی‌دهنده کلمه الله (یعنی عیسی) است، و خود مهتری است پارسا و پیامبری از شایستگان است (سوره ۳ آل عمران، ۳۹). [زکریا] گفت خدایگانا چگونه مرا پسری باشد و حال آن که همسرم نازاست و خود نیز از پیری به فرتوتی و فرسودگی رسیده-ام\* [فرشته] گفت این چنین است. خدایگانت فرموده این کار بر من آسان است، و خودت را پیشتر آفریده‌ام و [حال آن که] چیزی نبود\* گفت خدایگانا برای من نشانه‌ای بیاور. گفت: نشانه‌ی تو این است که سه شب (و روز) در عین سلامت با مردم سخن نتوانی گفت\* (۱۹، ۸-۱۰) اما خدایگانت را فراوان یاد کن و در شبانگاهان و بامدادان او را تسبیح گوی (۳ مدنی آل عمران، ۴۱) پس از آن زکریا از محراب

به نزد قومش بیرون آمد و به آنان اشاره کرد که بامدادان و شامگاهان نیایش کنید (۱۹، ۱۱).

« و در کتاب از مریم یاد کن؛ آن‌گاه که [دور] از خاندان خویش در مکانی رو به مشرق کناره گرفت\* و میان خود و آنان پرده کشید. پس ما روح خویش [جبرئیل] را به سوی او فرستادیم که به صورت بشر بر او نمودار شد\* مریم گفت از تو به رحمان- خدا پناه می‌برم که پرهیزکار باشی\* گفت بدان که من فرستاده‌ی خدایگان تو هستم تا تو را پرسی پاکیزه ببخشم» (۱۹، ۱۶-۱۷) و یا بعبارتی دیگر «فرستگان گفتند ای مریم الله تو را به کلمه‌ی خود بشارت می‌دهد و نام او مسیح عیسی بن مریم است. و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است\* با مردم، همچنان که در بزرگی، در گهواره سخن می‌گوید و از شایستگان است\* و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد\* و بر رسالت بر بنی اسرائیلش می‌فرستد که من با معجزه‌ای از خدایگانان نزد شما آمده‌ام. برایتان از گل چیزی چون پرده می‌سازم، به اذن خدا پرده‌ای شود؛ و کور مادرزاد را برص گرفته را شفا می‌دهم و به فرمان خدا مرده را زنده می‌کنم، و به شما می‌گویم چه خورده‌اید و در خانه‌های خود چه ذخیره کرده‌اید...\* تورات حاضر را تصدیق می‌کنم و پاره‌ای از چیزهایی که بر شما حرام شده را حلال می‌کنم. با نشانی از خدایگان نزد شما آمده‌ام. از الله بترسید و از من اطاعت کنید\* الله خدایگان من و شماست؛ بپرستیدش که راه راست همین است. (سوره‌ی ۳ آل عمران، ۴۵-۵۱).

« [مریم] گفت چگونه مرا پسری باشد و حال آن‌که هیچ بشری به من دست نزنده است و من بدکاره نبودم\* [روح خدا] گفت همینطور است. خدایگان گفت این کار بر من آسان است. ما او را آیتی برای مردم و رحمتی از خود قرار می‌دهیم؛ و این کار شدنی است\*»

«سپس به او [عیسی] باردار شد و با او در جائی دوردست کناره گرفت\* آنگاه درد زایمان او را به پناه تنه‌ی درخت خرمائی کشانید. گفت کاش پیش از این مرده بودم و بکلی فراموش شده بودم\* [کودک] از زیر او، او را ندا داد که اندوهگین مباش که خدایگانان از زیر [پای] تو جویباری روان ساخته است\* و نخل را به سوی خویش تکان بده تا بر تو خرماي تازه چیده فرو ریزد\* پس بخور و بیاشام و دیده روشن دار. پس اگر از آدمیان کسی را دیدی بگو نذر کرده‌ام که برای رحمان - خدا روزه بگیرم و امروز با هیچ انسانی سخن نگویم\*»

« پس او را برداشت و به نزد قوم خود آورد. گفتند ای مریم کاری زشت کرده‌ای\* ای خواهر هارون، نه پدرت مردی بدکاره بود و نه

چنان که معلوم است روایت قرآن در سوره‌ی مریم از نحوه زاده‌شدن عیسی و سخن گفتن با مادرش، و همچنین سرزنش خویشان مریم به او و سخن گفتن عیسی با آنان، با روایت انجیل لوقا که پیش از این آمد، متفاوت است اما حقیقت این است که محمد براساس مصلحت و سلیقه‌ی خویش این روایت را عیناً از باب بیستم کتابی به نام «شبه انجیل متی» Pseudo Mathieu در قرآن نقل کرده است.

مادرت بدکاره بود\* پس به او [نوزاد] اشاره کرد. گفتند چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم\* [نوزاد] گفت من بنده‌ی الله هستم. او به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است\* و مرا هر کجا که باشم مبارک گردانیده و مادام که زنده باشم به نماز و زکات سفارش کرده است\* و نیز به نیکی کردن به مادرم؛ و مرا زورگوی گردنکش نکرده است\* و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که درگذرم و روزی که زنده برانگیخته شوم\*»

« این است عیسی پسر مریم، سخن بر حقی که درباره‌ی او شک و شبهه دارند (۱۹ مکی مریم، ۲۰-۳۴) و « مثل عیسی در نزد الله چون مثل آدم است که او را از خاک بیافرید و به او گفت: کن، فیکون. موجود شو پس موجود شد.» (سوره ۳ مدنی آل عمران ۵۹)

چنان که معلوم است روایت قرآن در سوره‌ی مریم از نحوه زاده‌شدن عیسی و سخن گفتن با مادرش، و همچنین سرزنش خویشان مریم به او و سخن گفتن عیسی با آنان، با روایت انجیل لوقا که پیش از این آمد، متفاوت است اما حقیقت این است که محمد براساس مصلحت و سلیقه‌ی خویش این روایت را عیناً از باب بیستم کتابی به نام «شبه انجیل متی» Pseudo Mathieu در قرآن نقل کرده است.

و اما درباره‌ی دوران‌های بعدی زندگی عیسی مسیح در قرآن در آیه-هایی از سوره‌ی ۵ مائده، که به قولی در سال نهم هجرت صادر شده، چنین آمده است:

«الله به عیسی بن مریم گفت نعمتی را که به تو و مادرت ارزانی



شبهات‌هائی که میان شکل بیان و ترتیب محتوای داستان در این دو کتاب دیده می‌شود در قرآن نکته‌هایی وجود دارد که بنا به مصلحت روز و راه و رسم محمد در شرایط مختلف به‌ظاهر در تناقض و تضاد با انجیل‌هاست که مهمترین آن را می‌توان در مناسبات میان عیسی و خدای یگانه یافت.

توضیح آن که وقتی محمد در مکه است، و همچنین در سال‌های اول مهاجرت که هنوز به حمایت مسیحیان نیاز دارد، در نقل کامل داستان در سوره‌ی مریم و برخی اشارات دیگر در سوره‌های مکی گفته می‌شود که رحمان-خدا روح خویش را به صورت یک انسان بر مریم فرو می‌فرستد و او را به عیسی مسیح، که به قول خودش آیت و رحمتی است، باردار می‌کند و یا چنان‌که در سوره‌ی ۲۱ مکی انبیاء آیه ۹۱ و همچنین آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی ۶۶ مدنی تحریم آمده «روح خود» را در مریم باکره می‌دمد. قرآن همچنین عیسی مسیح پسر مریم را «پیامبر الله و کلمه‌ای از او» می‌خواند که آن را به مریم القاء کرد و روح او بود و در مورد «کلمه خود» یا «کلمه‌ای از خود» بشارت می‌دهد (آیه ۴۵)، و یحیی تعمیددهنده فرزند زکریا «تصدیق‌کننده کلمه‌ای از الله» یعنی همان عیسی مسیح است (آیه ۳۹). در واقع این همان

داشت‌ام یاد کن؛ آن زمان که به روح‌القدس یاریات کردم تا تو چه در گهواره و چه در بزرگسالی سخن بگوئی، و به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آن‌گاه به امر من از گل چیزی چون پرنده ساختی و در آن دمیدی و به امر من پرنده‌ای شد، و کور مادرزاد و پیسی گرفته را به فرمان من شفا دادی و مردگان را به فرمان من زنده بیرون آوردی؛ و چون با این دلایل روشن نزد بنی اسرائیل آمدی آنان را از آسیب رساندن به تو بازداشتیم و از میانشان کسانی که کافر بودند گفتند این جز جادویی نیست\* پس به حواریون وحی کردم به من و پیامبر من ایمان بیاورند و گفتند ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم هستیم» (۵ مدنی مائده ۱۱۰-۱۱۱).

و سرانجام در مورد پایان زندگی مسیح گفته می‌شود: الله گفت ای عیسی تو را میمیرانم و به سوی خود می‌آورم و از کافران دور می‌سازم و تا روز قیامت آنان را که از تو پیروی کنند فراتر از کافران قرار خواهم داد (۳ ال عمران، ۵۵).

چند حاشیه

قابل تذکر است که به رغم اقتباس‌های صریح قرآن از انجیل‌ها و

مطلبی است که به تفصیل بیشتر در باب اول انجیل یوحنا آمده است: «در آغاز کلمه بود و کلمه خدا بود... در او حیات بود و حیات نور انسان بود... و یحیی برای شهادت نور و کلمه فرستاده شد\*... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ او را دیدیم، جلالی که شایسته پسر یگانه‌ی پدر\* و یحیی بر او شهادت داد (انجیل یوحنا، باب اول آیه‌های ۱ تا ۱۵).

به این ترتیب می‌بینیم که اصطلاحات کلمه‌ی خدا یا روح خدا که در قرآن درباره‌ی عیسی به کار رفته عیناً از انجیل گرفته شده ولی محمد بعدها در سوره‌های مدنی به مسیحیان که حاضر به کنار گذاشتن دین خویش و پذیرفتن آیین او نیستند، به شدت اعتراض و آن‌ها را متهم می‌کند که آن‌ها عیسی را تا حد خدائی بالا برده‌اند و او را پسر خدا نامیده و پایه تثلیث یا سه‌گانگی خدا را که خود نوعی شرک و کفر مطلق است بنیان نهاده‌اند و جالب اینجاست که در همان آیه‌ی ۱۷۱ سوره‌ی ۴ مدنی نساء که مسیح را «کلمه» و «روح» خدا می‌خواند به مسیحیان هشدار داده می‌شود که «جز این نیست که الله خدائی است یکتا و منزّه است از این که صاحب فرزندی باشد» و در جایی دیگر می‌افزاید «بیقین آنان که گفته‌اند الله همان پسر مریم است کافر شدند» (۵ مائده، ۱۷) و آنان که گفتند الله [یکی از خدایان سه‌گانه] سومین از سه است کافر شدند؛ خدائی جز خدای یگانه نیست و اگر از آن چه می‌گویند باز نایستند کافرانشان به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد (۵، ۷۳)؛ و حتی بعدها از این هم بسی فراتر می‌رود و مسیحیان را متهم می‌کند که نه تنها «نصاری گفتند عیسی پسر خداست» بلکه «جبرها و راهبان خویش... را به جای الله به خدائی گرفتند» (۹ مدنی توبه، ۳۰-۳۱). از قرار معلوم در قرن ششم مسیحی فرقه‌ای از مسیحیان به عقیده تثلیث رو آورده بودند و قرآن به قصد تکفیر مسیحیان این عقیده‌ی را به همگی آنان تعمیم داده است.

اما تا آن جا که معلوم است در انجیل‌ها اگرچه کلمات پدر و پسر و روح‌القدس به ترتیب درباره‌ی خدا و عیسی و جبرئیل بکار رفته ولی به هیچ‌وجه سخنی از سه‌گانگی خدا در میان نیست بلکه در همه جا به یگانگی و یکتائی خدا تأکید شده است. بعلاوه عیسی خود بر پیامبری خویش تأکید می‌کند «من از جانب خدا صادر شده و آمده‌ام زیرا که من از پیش خود نیامده‌ام بلکه او مرا فرستاده است» و می‌افزاید که «من از خود کاری نمی‌کنم بلکه به آن چه پدرم مرا تعلیم داد تکلم می‌کنم\* او که مرا فرستاد با من است. زیرا که من همیشه کارهای پسندیده‌ی او را بجا می‌آورم» (انجیل یوحنا، باب ۸، ۲۸-۲۹). او حتی

از این هم جلوتر می‌رود و در جایی خود را «بره‌ی خدا» می‌خواند. جالب‌توجه‌تر آن که وقتی عیسی برای غسل تعمید به نزد یحیی تعمیددهنده می‌رود یحیی او را به کاهنان و والیان یهود به‌عنوان «بره خدا» معرفی می‌کند که آمده تا گناه جهان را بردارد» (همانجا، باب اول، ۲۸، ۲۹).

نکته‌ی دیگر در ارتباط با مقایسه‌ی قرآن و انجیل‌ها به مرگ مسیح مربوط می‌شود. توضیح آن که قرآن برخلاف انجیل‌ها به صلیب کشیده‌شدن عیسی را انکار می‌کند و پس از حمله به یهودیان درباره‌ی کشتن پیامبران و تهمت بزرگ به مریم و اشاره به این که الله بر دل-هاشان مهر نهاد (۴ مدنی، نساء، ۱۵۵-۱۵۶) گفته می‌شود که کسی که به صلیب کشیده شده مسیح نبوده بلکه مردی شبیه او بوده: «گفتند ما مسیح پسر مریم، پیامبر خدا را کشتیم و حال آن که آنان مسیح را نکشتند و بر دار نکردند بلکه کسی شبیه او به نظرشان آمده بود. در حقیقت کسانی که در این باره اختلاف دارند در شک خود باقی می‌مانند. آن‌ها هیچ شناختی از او ندارند و تنها از گمان خود پیروی می‌کنند و به یقین او را نکشتند» (۴ نساء، ۱۵۷). بلکه همانطور که پیش از آن «الله گفت ای عیسی من تو را می‌میرانم و به سوی خود برمی‌کشم» (۳ آل عمران، ۵۵) در حقیقت «الله او را به نزد خود برکشید» (۴، ۱۵۸).

البته در آنچه به روایت انجیل‌ها مربوط است، همان‌طور که پیش از این آمد، مخالفان عیسی او را از طریق خیانت یکی از حواریون به نام یهوذا شناسائی می‌کنند و به صلیب می‌کشند اما حقیقت این است که روایت قرآن چیزی جز تأیید روایت برخی از کتاب‌های دیگر مسیحیان نیست در این کتاب‌ها تأکید می‌شود که کسی را که یهوذا بوسه می‌زند عیسی مسیح نیست بلکه شخصی شبیه اوست که بلاخره هم به جای عیسی بر دار می‌رود، و به نظر می‌رسد که قرآن روایت خود را از این کتاب‌ها برگرفته است.

پانوش:

۱- رجوع شود به سوره ۶ مکی انعام، ۹۲؛ ۱۰ مکی یونس، ۳۷؛ ۱۲ مکی یوسف، ۱۱۱؛ ۴۶ مکی احقاف، ۱۲ و ۳۰؛ ۳۵ مکی فاطر، ۲؛ ۳۱؛ ۴۱ و ۸۹ و ۹۱ و ۹۷؛ ۳ مدنی آل عمران، ۳؛ ۴ مدنی نساء، ۴۷؛ ۵ مدنی مائده ۴۸

یحیی را به جای مسیح می‌گیرند ولی او می‌گوید که او فقط بشارت دهنده مسیح و کلمه‌ی خداوند است.

۲۲- رجوع به لوقا باب اول، ۲۶-۲۸

۲۳- رجوع شود به رزی بلاشر، ترجمه قرآن به زبان فرانسه، توضیح دوباره‌ی آیات ۲۳-۳۲ سوره‌ی ۹۹ مکی مریم

۲۴- رجوع شود به سوه‌ی ۱۹، ۱۷-۲۲

۲۵- رجوع به سوره ۴ آیه ۱۷۱

۲۶- رجوع شود به ترجمه قرآن به زبان فرانسه، رژی بلاشر و دنیس ماسون در توضیح این آیه و آیه‌های مشابه.

- همچنین رجوع شود به همین‌جا آیه‌های ۳۶-۳۷ که یحیی عیسی را به همین نام به پیروان خود معرفی می‌کند.

۲۸- رجوع شود به الیستر فاسیر؛ رژی بلاشر؛ قرآن کریم خرمشاهی، و همینطور دنیس ماسون. این‌ها با استناد به برخی منابع مسیحی می‌نویسند شخصی را که یهودا بوسیده عیسی نبوده بلکه شبیه او بوده است.

منابع

۱- قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، سروش، واحد احیای هنرهای اسلامی، چاپ چهارم ۲۴/۲/۷۴

۲- قرآن کریم، ترجمه توضیحات و واژه نامه از بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، چاپ پنجم، ۱۳۸۴

۳- Le Coran, Introduction, et note, D. Masson, Gallimard, 2 Volume, France, 1999-2001

۴- Le Coran, Introduction, Regis Blachere, Paris 2005.

۵- ایسرا لتفاسیر، الدكتور اسعد محمود حومد، دمشق ۱۴۱۸ هجری-۱۹۹۷ میلادی

۶- La Bible, Nouveau Testament, le Livre de Poche, Paris, 1984

۲- رجوع شود به ۲ بقره، ۱۰۱:۳ آل عمران، ۸۱

۳- هرود کبیر فرمانروای اورشلیم در سال های ۳۷ تا ۴ پیش از میلاد مسیح.

۴- یعنی از اعقاب هارون برادر موسی بود که به عنوان نیای خانواده‌ی کاهنان اورشلیم شناخته شده است.

۵- خداوند معادل کلمه Seingeur فرانسه و «رب» در قرآن است.

۶- عین همین توصیف‌ها برای یحیی در قرآن سوره‌ی ۱۹ مکی مریم، ۱۲-۱۵ آمده است.

۷- انجیل لوقا، باب اول آیه های ۵-۲۰ معادل قرآن، سوره مکی ۱۹ آیه های ۱-۱۵.

۸- رجوع شود به قرآن، سوره آل عمران آیه های ۴۵-۴۸

۹- رجوع شود به انجیل لوقا، باب اول آیه های ۵-۴۱

۱۰- همانجا آیه های ۵۶-۶۵

۱۱- عیسی در زبان اصلی به معنای رستگاری است.

۱۲- این پاراگراف از انجیل متی باب اول آیه‌های ۱۹-۲۴ نقل شده است.

۱۳- برای این پاراگراف رجوع شود به انجیل لوقا باب دوم آیه‌های ۴-۷.

۱۴- همانجا آیه ۳۹-۴۰

۱۵- این یحیی در واقع همان یحیی پسر زکریاست. رجوع شود به انجیل یوحنا، باب اول، ۶

۱۶- منظور از نور همان عیسی مسیح است.

۱۷- رجوع شود به انجیل یوحنا، باب اول آیه های ۱-۱۵

۱۸- رجوع شود به انجیل های مرقس و لوقا.

۱۹- بنا به توضیح آیه ۴۴ سوره‌ی ۳ آل عمران کار سرپرستی مریم در میان قومش به نزع می‌کشد و «سپس قرعه زدند تا چه کسی از میانشان عهده دار نگهداری مریم شود» و از قرار معلوم قرعه به نام زکریا در می‌آید.

۲۰ و ۲۱- داستان زکریا باردار شدن همسرش تا این جا در ۳ مدنی آل عمران آیه‌های ۳۸-۴۱ تکرار می‌شود. این تکرار تکمیلی به پیروی از روایت انجیل‌ها صورت گرفته است که در آن جا از گفتگوی میان یحیی و منتظران ظهور مسیح سخن به میان می‌آید که آنان